

بسیاری از داروهای مورد استفاده بدون نسخه از جمله داروی ضد سرفه، سرماخوردگی، آنفلوآنزا و زکام باعث گیجی ناخواسته می‌شوند که ممکن است رانندگی را با مشکل روبه رو کند.



ابتکار جالب معلم برای دانش آموزان اوتیسمی اش

جذاب ترین ربات های مسابقات رباتیک بدون شک ربات های نانو هستند. آقای گارلند، آموزگار ۶ کودک اوتیسمی مدرسه تاپکلیف، از این ربات های انسان نمای برای مشکلات تمرکز دانش آموزان مبتلا به اوتیسم استفاده می کند. دانش آموز ۵ ساله مبتلا به اوتیسم به کمک ربات بین توانسته است برای مدت ۲۰ دقیقه روی درس های خود تمرکز کند. علاوه بر این، مهارت های اجتماعی وی نیز به طور چشمگیری بهبود یافته است.

فوکوس



یمنا خاشعی دو سال و نیمه که دچار فلج مغزی شده است، در بیمارستان نورافشار تحت درمان قرار دارد. با هدف بالا بردن توجه و تماس چشمی ربات با او بازی می کند.



نگار غلامی ۹ ساله که دچار فلج مغزی شده است. ربات انسان نمای بیمارستان نورافشار با هدف ایجاد انگیزه برای ایستادن روی زانوها و افزایش انقباض عضلات در حال بازی کردن با نگار است.



برزین سوداگری و عرفان انصاری ۱۱ ساله روی تخت بیمارستان در حال بازی با الکسا. استفاده از ربات به عنوان شخص سوم در نقش دوست، مربی و یا حتی در مانگر غیر مستقیم. این کار باعث ایجاد انگیزه برای افزایش حرکت اندامها و تقلید از رفتارهای ربات در غالب بازی های تقلیدی می شود.



عکس ها: سعید غلامحسینی / شهر وند

گفت و گو با ۲ درمانگر داوطلب بیمارستان «نورافشار» که سبکی خاص برای درمان دارند

ربات نجاتبخش برای کودکان فلج مغزی

به ناز مقدسی [در اتاق بازی می شود. کودک روی تخت بیمارستان نشسته اما با دیدن ربات سفید در حال حرکت که مدام به او سلام می کند، نیم خیز می شود. لبخند می زند، انگار همبازی را پیدا کرده، دستش را دراز می کند و ربات قرص نارنجی رنگی شبیه به شکلات را در دستان او می گذارد. سناریوی تیم درمانگر بیمارستان برای دارو دادن به کودکان خیلی جذاب است. افشین امام وردی، موسیقی درمانگر و عطیه اسلامی، بازی درمانگر که به صورت داوطلبانه در بیمارستان نورافشار جمعیت هلال احمر فعالیت می کنند، در این گفت و گو از تکنولوژی و شیوه نوبن شناسایی بیماری و بهبود بیماران شان می گویند.

اسلامی: چند وقت پیش پسر بچه ای را به بیمارستان آوردند و مادرش گفتند که تشنج می کند اما نمی دانیم علتش چیست. ما کودک را با ربات در اتاق بازی تنها گذاشتیم و آنها شروع به بازی کردند. بازی شان هم این بود که پسر بچه پزشک شده بود و ربات هم بیمارش ما هم از چشمان ربات که دوربینش است، آنها را می دیدیم و از طریق بلندگو هم با بچه صحبت می کردیم. بعد کودک بیمار شروع کرد به حرف زدن با ربات و گفت شاید صبحانه نمی خوری. در واقع مشکلات خودش را به ربات می گفت. در حین این بازی ربات گفت دوست ندارم مدرسه بروم و کودک سریع جواب داد که شاید از معلمات می ترسی تا این جواب را داد. متوجه شدیم علت تشنجش ترس از معلمش و استرس در مدرسه بوده است که ظاهراً بعد هم با معلمش صحبت کرده بودند و مشکل تشنج او حل شد.

اسم این ربات چیست و اهل کجاست؟
امام وردی: اسمش الکسا است؛ ساخت کشور چین. ظاهراً ابتدای کارتان ریسک کرده اید؛ چرا که به هر حال در کل جهان هیچ تجربه و نتیجه ای از عملکرد ربات انسان نامدار مخصوص بیماران وجود ندارد.

اسلامی: ما به فکر ایده های نو هستیم و طی تحقیقاتی که کردیم، مطمئن بودیم این ربات در بازی با بچه ها موفق خواهد شد.
امام وردی: کودکان نسل جدید خیلی زرنگ و باهوش هستند و همین هم شد که ما تصمیم گرفتیم برای جذب آنها از یک سیستم پیشرفته استفاده کنیم. وقتی به مراجع کنندگان تان می گویید باید بیمارشان را به دست یک ربات بسپارند، تردید نمی کنند؟ منظورم این است که بازی درمانی یا تشخیص بیماری از طریق یک ربات برای شان باور پذیر است؟
امام وردی: ما دو دسته مراجع کننده داریم؛ یک گروه کسانی هستند که ناگزیر می پذیرند، یعنی همه

هیجانی یا خیلی شاد نداشتند و من بر حسب نیازشان با آنها بازی های مختلف انجام می دهم. رباتی که با کودکان بازی می کند، حرف می زند و حتی داروهای شان را به آنها می دهد؛ این اسباب بازی ای است که شما با هزینه خودتان برای بچه ها تهیه کرده اید؛ چرا ربات؟

اسلامی: اول این که نسل جدید به تکنولوژی علاقه مند است؛ اما این ربات مثل بازی های کامپیوتری جنگی که این روزها در انواع کنسول های بازی و گوشی ها پیدا می شود، در کودکان خشم ایجاد نمی کند، بلکه با آنها بازی های دوستانه انجام می دهد.

آقای امام وردی، موسیقی درمانی حوزه ناشناخته ای برای مردم است. ببخشید رک می پرسیم اما واقعا موسیقی در درمان می کند؟
امام وردی: موسیقی غذای روح است؛ من در رشته آهنگسازی ایرانی تحصیل کردم؛ اما ماجرای آشنایی من با موسیقی درمانی برمی گردد به تصادف شدیدی که سال ها پیش برابم اتفاق افتاد و زمینگیرم کرد. بعد از ۲۶ مرحله عمل جراحی نه زخم هایم خوب شده بود و نه استخوان هایم جوش خوردند. در آن دوران سخت از همه چیز ناامید شده بودم که به موسیقی پناه بردم و چون از قبل موزیسین بودم در تنهایی شروع به بداهه نوازی کردم. در این مدت متوجه تاثیرات موسیقی روی روان و جسمم شدم؛ یعنی بعد از مدتی متوجه شدم که بدنم رو به بهبودی است و وقتی برای معاینه پیش دکترم رفتم، به من گفت که استخوانت جوش خورده است که فقط یک معجزه می تواند باشد و علم پزشکی برای آن پاسخی ندارد. این موضوع ذهنم را درگیر کرده بود و مدام به این فکر می کردم که کدام آهنگ و کدام نت ها بودند که روان و جسمم من را معالجه کرد. همین هم شد که شروع به تحقیق در این حوزه کردم و در نهایت دو سبک موسیقی درمانی روان درمانی را بنیانگذاری کردم. بنابراین اولین بیمار خودم، خودم بودم. (باخنده).

چند وقت پیش پسر بچه ای را به بیمارستان آوردند و پدر و مادرش گفتند که تشنج می کند و شروع به بازی با ربات کرد و مشخص شد که علت تشنج او ترس از معلمش است

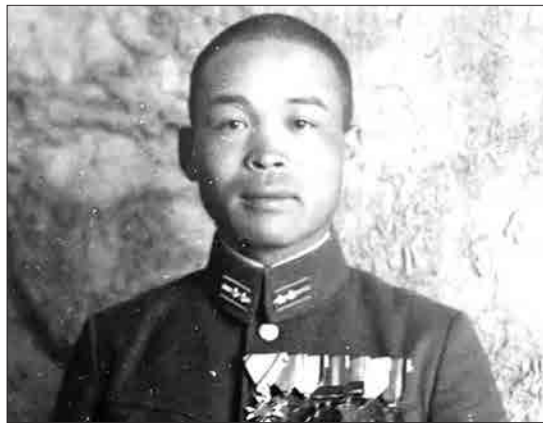
دوم این که از طریق ربات کیفیت آموزش را بالا می بریم، مثلاً این که وقتی ربات یک کار را انجام می دهد کودک نیز از او تقلید می کند و این موضوع جنبه آموزشی دارد. می خواهیم بدانیم این ربات دقیقاً چه کارهایی انجام می دهد؟

امام وردی: این ربات شبیه یک آدم است دست، پا، سر و چشم و دهان دارد و بچه ها فکر می کنند دوست شان است. وقتی با کودکان به اتاق بازی می رود ما از طریق بلندگویی که در دهان ربات قرار دارد با بچه ها حرف می زنیم و خیلی از بیماری های کودکان را با این روش شناسایی کردیم. یک ربات چطور می تواند بیماری را تشخیص دهد؟!
خاتم اسلامی شما به عنوان روانشناس سبک بازی درمانی را برای معالجه روان و حتی جسم بیماران انجام می دهید؛ بازی کردن شامل چه چیزهایی می شود؟
اسلامی: من کارشناس ارشد روانشناسی بالینی هستم. سبک بازی درمانی من سبک آنالین است. ببینید من حس می کنم همه آدمها در هر سنی به بازی کردن نیاز دارند فقط سبک بازی ها برای گروه های سنی فرق می کنند؛ اما در رابطه با بیماران مثلاً در زمان هایی ممکن است بچه ها حوصله بازی های

گفت و گو

شجاعت یا حماقت؟

این یک داستان عجیب و غریب از مرئی پرواز ژاپنی و خانواده اش است. ماجرای عجیبی که گفته می شود دولت ژاپن آن را سانسور کرده، اما شواهد از واقعیتی باور نکردنی خبر می دهند. ماجرا از این قرار است که حاجی فوجی خلبان ارتش ژاپن قصد داشته تا به عنوان خلبان انتحاری هواپیمای خود را به ناهای جنگی آمریکایی بکوبد. اما به این دلیل که او همسر و دو فرزند داشت، نیروهای هوایی ژاپن در خواست او را نپذیرفتند. همین هم شد که او برای شرکت در این مأموریت انتحاری خانواده اش را نیز با خود همراه کرد!



گفت و گو

آقای ایمنی در ۲۰ سالگی

حجت آزاد بخت سرباز فداکاری که سیزدهم در امسال جان خانواده ای را نجات داد، قهرمان ملی ایمنی شده است. او ۲۰ سال دارد و هرگز نمی دانست آن روز که برای نجات جان ۵ نفر خودش را داخل رودخانه ای پر از فاضلاب شهری انداخت، به اول لقب قهرمان خواهند داد. او وقتی دید خودروی دنا در رودخانه سقوط کرد، فداکارانه جاننش را به خطر انداخت و در رودخانه ای که ۲ متر عمق داشت پرید تا سرنشینان خودرو را از آب بیرون بکشد. بعد از این حادثه خبر و عکس این سرباز در شبکه های اجتماعی منتشر شد تا در نهایت از طرف جمعیت ایمنی راهها به عنوان قهرمان ملی ایمنی لوح تقدیر دریافت کند.

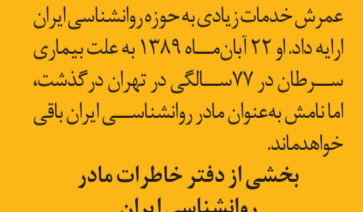


گفت و گو

ژان پیازه را بیشتر می شناسید یا پری رخ دادستان؟!؟



بگویم پول ندارم؛ گفتم میل ندارم. دوستم نگاه می کرد و گفت: بی خود چند ساعته داری فکر می کنی، باید چیزی بخوری و خودش برایم یک کیک و قهوه خرید و مرا نجات داد. من آن امتحان را با نمره خوبی قبول شدم. بعد از اتمام تحصیلاتم پیازه که از پشتکار من خوشش آمده بود، پیشنهاد داد که زیر نظر مراکز تحقیقاتی او کار کنم. او می گفت: ما تورا برای ایران نساختیم، ترو! اما من گفتم شما امثال من زیاد دارید ولی مملکت من ندارم و من باید برگردم. بعد از آن هر سال به دیدنش می رفتم و او می گفت: اگر پیشیمان شدی برگرد، ولی من هرگز پیشیمان نشدم.



عمرش خدمات زیادی به حوزه روانشناسی ایران ارایه داد. او ۲۲ آبان ماه ۱۳۸۹ به علت بیماری سرطان در ۷۷ سالگی در تهران درگذشت، اما نامش به عنوان مادر روانشناسی ایران باقی خواهد ماند.
بخشی از دفتر خاطرات مادر روانشناسی ایران
در دو سالی که در سوئیس درس می خواندم، نود درصد غذای من نان و پنیر بود. سوئیس کشور گرانی بود. رساله ام با پیازه بود و او روش و سختگیری های خاص خودش را داشت. وسیع مالی نداشتم، با این وجود دوره لیسانس را به جای چهار سال، سه ساله خواندم. روز امتحانی که با پیازه داشتم سر جلسه از شدت گرسنگی در حال از هوش رفتن بودم. امتحان ۶ ساعت طول می کشید و من دو روز بود که چیزی نخورد بودم. دو ساعتی که از امتحان گذشت دیدم در حال از هوش رفتن هستم و ممکن است فرصت موفقیت را از دست بدهم. وسیله پذیرایی آوردند اما پولی برای خرید نداشتم. دوستی یونانی داشتم. پرسید: چرا چیزی بر نداشتی؟ غرورم اجازه نداد



شاید نخستین بار باشد که نام پری رخ دادستان را می شنوید؛ بنیان گذار روانشناسی نوین در ایران و شاگرد غول روانشناسی جهان، ژان پیازه. دکتر دادستان بعد از گرفتن دیپلم به عنوان تنها زن پذیرفته شده در دانشگاه ژنو سوئیس عازم این کشور شد. در خشن او در طول تحصیل باعث شد تا ژان پیازه، روانشناس مشهور جهان، استاد راهنمای او برای پایان نامه اش شود. جالب است که بداند در همان زمان ژان پیازه به پری رخ دادستان پیشنهاد داد تا مسئولیت مرکز روانشناختی نیویورک را قبول کند اما او چنان عاشق وطنش بود که تصمیم گرفت به ایران برگردد و برای مردم کشور خودش کار کند. همین هم شد که به کشور بازگشت و تا پایان

توفل زمان